

ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی^۱

سال سیزدهم - شماره دهم - دی ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۵۶

بحثی بر سبک‌شناسی و تعیین نوع نثر کتاب « فرج بعد از شدت»

(ص ۳۱-۴۰)

علی ابوالحسنی^۲ (نویسنده مسئول)، حمید عالی کردکلایی^۳

تاریخ دریافت مقاله: فروردین ۹۹ تاریخ پذیرش قطعی مقاله: خرداد ۹۹

چکیده

کتاب فرج بعد از شدت، اثری داستانی به زبان عربی، تألیف ابوعلی محسن بن علی تنوخی در قرن چهارم است. این اثر مجموعه حکایاتی است در چهارده باب با موضوعات مختلف که همه حکایتها بر محور فرج بعد از شدت (گشایش کار بعد از سختی) نگاشته شده است. از این کتاب دو ترجمه صورت گرفته است، یکی به دست عوفی که تنها نامی از آن باقی مانده و دیگری ترجمه حسین بن اسعد دهستانی در قرن هفتم است که در سیزده باب صورت گرفته است.

این اثر از نظر موضوع، اثری تعلیمی - حکمی محسوب میشود اما از نظر تعیین نوع نثر آن، بین ادبا اختلاف وجود دارد. عواملی مانند نگاشته شدن اثر در قرن هفتم (دوره رواج نثر فنی) و تاثیر نوع نثر رایج دوره بر اثر و وجود حکایات مشابه این اثر با کتب داستانی دیگر باعث این اختلاف نظر شده است. در این مقاله که به روش کتابخانه‌ای صورت گرفته است در پی فهم نوع نثر این ترجمه هستیم. نتایج تحقیق نشان میدهد که مترجم، در تمامیت اثر، بنای کار خود را بر سادگی متن و ذکر مطالب صرفاً داستانی - تاریخی نهاده، اما از آنجا که در قرن هفتم، دوره رواج نثر فنی زندگی میکند و خود نیز شاعر و مترجم است، گاهی - خصوصاً در بخش توصیفات - تحت تاثیر شیوه مترسلان نثر فنی قرار گرفته است و ویژگیهایی را در اثرش داخل ساخته که اثر را به کتب نثر فنی نزدیک میسازد؛ ویژگیهایی مانند درج آیات و احادیث، سجع‌پردازی، و...

کلمات کلیدی: فرج بعد از شدت، سبک‌شناسی، قرن هفتم،

۱ - تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده‌اند.

۲ - استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، ایران (Ali.abolhasani@pnu.ac.ir)

۳ - استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، ایران (hamidalui@mpnu.ac.ir)

Discussion on stylistics and determining the type of prose in the book "Faraj baadal sheddad"

Hamid Ali Kordkalaei^۱, Ali Aboulhasani^۲

Abstract

The book Faraj baadal sheddad is a work of fiction in Arabic, written by Abu Ali Mohsen bin Ali Tanukhi in the fourth century. This work is a collection of anecdotes in fourteen chapters with different themes, all of which are written on the axis of the vulva after intensity (opening the work after difficulty). There are two translations of this book, one by Aufi, of which only one name remains, and the other by the translation of Hussein ibn Asad Dehestani in the seventh century, which is in thirteen chapters.

This work is considered a teaching-ruling work in terms of subject matter, but in terms of determining the type of its prose, there is a difference between literature. Factors such as the writing of the work in the seventh century (the period of the spread of technical prose) and the influence of the common type of prose on the work and the existence of similar anecdotes of this work with other fiction books have caused this disagreement. In this article, which is done in the library method, we seek to understand the type of prose of this translation. The results of the research show that the translator, in the entirety of the work, has based his work on the simplicity of the text and mentioning only fictional-historical content, but since he lived in the seventh century, the period of technical prose and he is a poet and translator, sometimes Especially in the descriptions section, he has been influenced by the style of the translators of technical prose and has included features in his work that bring the work closer to the books of technical prose; Features such as inserting verses and hadiths, recitation, use of imaginary and ...

Keywords: Faraj baadal sheddad, stylistics, seventh century,

^۱ - Assistant Professor of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Tehran, Iran (hamidalui@mpnu.ac.ir)

^۲ - Assistant Professor of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Tehran, Iran (Ali.abolhasani@pnu.ac.ir)

۱- بیان مسأله:

نثر فارسی از آغاز پیدایش تا امروز ادوار گوناگونی را پشت سر گذاشته است اما قرن هفتم، در تاریخ نثر فارسی دوره‌ای ممتاز است و از نظر ادبی اهمیت بسیاری دارد. در این دوره، نثر خاصی حاکم نیست و به طور همزمان سه نوع نثر مرسل، فنی و بینابین رواج دارد. یکی از کتابهایی که در این دوره از روی متنی عربی ترجمه و نگاشته شده، فرج بعد از شدت است. کتابی که میتوان در آن ویژگیهای نثر مرسل، نثر مرسل علی و حتی فنی را مشاهده کرد و به همین دلیل در تعیین نوع نثر این کتاب بین ادبایی چون ذبیح الله صفا، ملک‌الشعرا بهار، شمیسا و... اختلاف نظر دیده میشود. در این مقاله پس از معرفی متن عربی (فرج بعد از شدت) و ترجمه آن (فرج بعد از شدت) علل و ویژگیهایی که باعث شده این اثر ویژگیهایی از نثر مرسل عالی، موزن و فنی را در خود جای دهد، معرفی و با شواهد مورد تحلیل قرار گرفته شده‌است و در پایان، نوع سبک اثر معرفی میشود.

۱-۱- روش تحقیق

روش تحقیق این مقاله، به شیوه متن پژوهی و تحلیل و توصیف با رویکرد توصیفی-تفسیری در زمینه نوع نثر اثر و ابزار گردآوری اطلاعات و داده‌ها، کتابخانه‌ای است.

۱-۲- پیشینه تحقیق

در مورد ترجمه فرج بعد از شدت، تاکنون مقالاتی در موضوعات گوناگون نگاشته شده است، اما در خصوص نوع نثر این کتاب تنها در کتب تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی مطالبی بصورت پراکنده دیده میشود.

۲- معرفی قاضی تنوخی و آثار وی

ابوعلی المحسن بن ابی القاسم علی بن محمد بن ابی الفهم داود بن ابراهیم ابن تمیم التنوخی (وفیات الاعیان، ابن خلکان، ۱۹۶۸: ۴، ۱۵۹) «از محدثین معتزلی و شعرا و نویسندگان عرب» است. (فرج بعد از شدت و جوامع الحکایات، کریمی: ۱۳۸) «پدر او علی بن محمد، از بزرگان علم و ادب و قاضی بصره و اهواز بود که به خدمت وزیر مهلبی پیوست. خاندان او از مردم انطاکیه بودند و او در شب یکشنبه ۲۶ ربیع‌الاول سال ۳۲۷ هجری در بصره که پدرش در آن شغل قضا داشت، به دنیا آمد و در اهواز نشو و نما یافت. تحصیل علم را در خانواده ادیب و حدیث‌شناس خود آغاز کرد. وی همچنین از محضر اساتید بزرگی چون ابوبکر صولی بهره‌گرفت. پس از آن به بغداد رفت و در آن شهر درس را ادامه داد. مدتی در بغداد به سر برد و سپس عهده‌دار شغل قضا در عسکر مکرّم گردید. ظاهراً از سال ۳۶۳ تا ۳۶۵ عهده‌دار منصب قضای واسط بود. در سال ۳۶۶ عهده‌دار کتابت قاضی القضاة ابی‌العباس بن ابی‌الشوارب در بغداد شد. (وفیات الاعیان، ابن خلکان: ۴/۱۶۲) و «در طول زندگی به دربار بزرگان عصر خود راه یافت و علاوه بر شغل قضا، ندیم آنان نیز بود. او به اقتضای شغل

قضاوت، در قلمرو خلافت عباسی به مسافرت پرداخت و اطلاعات فراوانی از اوضاع و احوال اجتماع و طبقات مختلف مردم به دست آورد. (فرج بعد الشده و جوامع الحکایات، کریمی: ۱۳۸) در عهد خلیفه الطالع الله، تنوخی در سلک ندیمان و مصاحبان او درآمد. در سال ۳۷۱ برای دومین بار با عضدالدوله دیلمی به همدان رفت و بعد از وفات او در سنه ۳۷۳ به بغداد برگشت. در این احوال، پدرش وفات کرد و او دچار سختی و تنگدستی شد. احتمالاً در همین ایام به تالیف فرج بعد شدت پرداخته است. وی سرانجام در روز دوشنبه ۲۵ ماه محرم سال ۳۸۴ در سن ۵۶ سالگی در بغداد درگذشت. (فرج بعد از شدت، مقدمه حاکمی، ج: ۱: نه- ده)

آثار و کتب تنوخی عبارتند از دیوان شعری که بر جای مانده است، «عنوان الحکمه»، مجموعه داستانهای حکمت‌آمیز است. سه کتاب دیگر او همه از نوع ادبی «گشایش پس از سختی» است هرچند که تنها یکی از آن سه کتاب چنین نامی دارد. کتاب «المستجد فی فعلات الاجواد»، ظاهراً کوچکترین کتاب اوست که دربارهٔ بخشندگان و کریمان عصر جاهلی و ادوار بعد تا روزگار مولف سخن رفته است. کتاب «نشوار المحاضره و اخبار المذاکره» که «جامع التواریخ» نیز نامیده می‌شود؛ نیز دربارهٔ اعمال بخشندگان است، البته با این تفاوت که این کتاب به ذکر اخبار گذشتگان در این خصوص می‌پردازد و از حیث کمیت و حجم، بزرگترین کتاب تنوخی است که طی ۲۰ سال از سال ۳۶۰ تا ۳۸۰ ق. در یازده جلد نگاشته شده است. اما از این کتاب نیز نسخهٔ کاملی بر جای نمانده است. (فرج بعد از شدت، مقدمه حاکمی، ج: ۱: دوازده / وفیات الاعیان، ابن خلکان: ۱۶۲ / ۴)

کتاب «الفرج بعد الشده»: مجموعه‌ای از حکایت‌هایی است به زبان عربی در چهارده باب، با عناوین مختلف که همه حول موضوع فرج پس از شدت تالیف شده است. سه نویسندهٔ دیگر قبل از تنوخی نیز مطالبی با همین نام تنظیم و گردآوری کرده‌بودند. «نخستین آنها «ابوالحسن علی بن محمد مدائنی» است که پنج یا شش صفحه با موضوع فرج بعد از شدت تالیف و آن را «فرج بعدالشدده و الضیق» نام نهاد. (فرج بعد از شدت، مقدمه حاکمی، ج: ۱: پانزده) دومین نویسنده «محمد بن ابی‌الدنیا» بود که به جمع اخبار و احادیث در توکل و صبر در هنگام سختی و دعا و نظایر آن پرداخت و کتابی بیست صفحه‌ای گردآوری کرد. نویسندهٔ سوم «قاضی ابی‌الحسین عمر بن القاضی ابی عمرو» است که بیشتر مطالب مدائنی را با مطالبی از خود همراه تعداد کمی ابیات مناسب در پنجاه صفحه به همان نام گردآوری کرد. اما اسمی از مدائنی نیاورد. همانطور که ابن ابی‌الدنیا هم ذکر کردی از مدائنی نکرده‌بود.

تنوخی در تالیف کتابش از مطالب و حکایات این سه مولف خصوصاً مدائنی نیز استفاده کرده است. از جمله دیگر منابع تنوخی در تالیف این کتاب می‌توان به کتاب «الوزراء و الکتاب» ابو عبدالله محمد بن عبدوس جهشیاری (م ۳۳۱ ق) کتاب «الوزراء» ابوبکر محمد بن

یحیی الصولی (م ۳۳۵ق) و نیز کتاب «الوزراء» ابوعبدالله محمد بن داود بن الجراح (م ۲۹۶ق) و نیز «مناقب الوزراء» ابوالحسن علی بن الفتح و چند منبع دیگر اشاره کرد. بقیه مطالب هم یا از نویسندگان سلف گرفته شده و یا مستقیماً توسط معاصران به مولف رسیده است.

۳- ترجمه فرج بعد الشده

در فاصله سی و اند سال، دو ترجمه از فرج بعد الشده به فارسی به تحریر درآمد. نخستین بار سدیدالدین محمد عوفی این کتاب را در سال ۶۲۱ هجری به پارسی درآورد ولی متأسفانه آن ترجمه بالاستقلال باقی نمانده است. (فرج بعد از شدت، مقدمه حاکمی، ج ۱: چهارده/ فرهنگ فارسی، معین: ۱۳۳۱) اما به طور تقریبی سه چهارم آن در جوامع الحکایات به صورت آزاد و پراکنده، بدون توجه به طرح تنوخی آمده است. «قسم اول شش داستان، در قسم دوم، دوازده داستان؛ در قسم سوم، هفت داستان؛ در قسم چهارم، شصت و دو داستان آمده است.» (فرج بعد از شدت، مقدمه حاکمی، ج ۱: هفده)

حسین بن اسعد بن حسین الدهستانی المویدی، دومین کسی است که کتاب مذکور را بین سالهای ۶۵۱ و ۶۶۰ هجری در سیزده باب به پارسی درآورد و از خود ابیاتی به آن افزود و در آخر هر حکایت نیز نتیجه‌ای به آن اضافه کرد و این مجموعه را «جامع الحکایات فی ترجمه الفرّج بعد الشده و الضیقه» نام نهاد. او منشی مخصوص عزالدین بن طاهر زنگی فریومدی حکمران خراسان بود و این ترجمه را به وی تقدیم کرد. (فرج بعد از شدت، مقدمه حاکمی، ج ۱: چهارده) ترجمه او کامل به دست ما رسیده است. در این کتاب، ترتیب حکایات و فصول بسیار دقیق است، الا این که دهستانی آن را به دو بخش تقسیم نکرده و باب چهاردهم را هم که اختصاص به درج ابیات مناسب فرج بعد الشده یافته است، ندیده گرفته و ترجمه نکرده است.

معین، ترجمه دهستانی را بین سالهای ۵۶۱ و ۶۵۶ میداند (فرهنگ فارسی، معین: ۱۳۳۱) و علامه قزوینی مینویسد: «معلوم نیست ترجمه کتاب الفرّج بعد الشده حسین بن اسعد دهستانی که امروزه در دست است، مقدم یا موخر بر ترجمه نویسنده عوفی باشد. اما ذبیح الله صفا ترجمه دهستانی را حداقل سی سال بعد از عوفی، یعنی متعلق به قرن هفتم میداند. وی حدس زده که دهستانی به اصل کتاب تنوخی دسترسی نداشته و قسمتهایی از ترجمه عوفی را وارد کتاب خود کرده است و نام کتاب دهستانی را «جامع الحکایات فی ترجمه الفرّج بعد الشده و الضیقه» میداند. (تاریخ ادبیات در ایران، صفا: ج ۳/بخش ۲: ۱۳۳۴-۱۳۳۶) برخلاف نظر صفا، هرمان اته، در فهرست‌نامه خود در شرح نسخه‌ای از ترجمه فرج بعد الشده، حدس زده است که ترجمه دهستانی، مقدم بر ترجمه عوفی است (فرج بعد از شدت، مقدمه حاکمی، ج ۱: سیزده) و نیز عوفی در جوامع الحکایات (نسخه بریتیش میوزیم، باب هفتم، قسم چهارم) می‌نویسد که «قاضی محسن تنوخی کتاب فرج بعد الشده تالیف

کرده اندرین معنی و آن کتابی مقبول و مرغوب است و مولف (مقصود خود عوفی است)، آن کتاب را به لغت پارسی ترجمه کرده‌است و بیشتر حکایات آن در این مجموع { یعنی جوامع الحکایات } مسطور ست. « گنجینه سخن، ج ۱، صفا، ۶۸ / مقدمه کتاب فرج بعد از شدت، ج اول: سیزده)

نسخه عربی این کتاب، در دو جلد در سالهای ۱۹۰۳ و ۱۹۰۴ میلادی در قاهره به چاپ رسیده است. (یک کتاب فراموش شده، اقبال: ۴۹) و بار دیگر در پنج جلد و در بیروت چاپ شده است. ترجمه دهستانی (فرج بعد از شدت) نخستین بار در سال ۱۳۵۵ توسط موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی چاپ شد. در سال ۱۳۶۳ اسماعیل حاکمی والا تصحیح کتاب را در سه مجلد و سیزده باب انجام داد که در نشر اطلاعات به چاپ رسید. و بار دیگر در سال ۱۳۸۴ در نشر امید مجد، با تصحیح حاکمی والا به چاپ رسید. همچنین در سال ۱۳۸۸ به کوشش محمد قاسم‌زاده در نشر نیلوفر به چاپ رسید.

۴- نظر ادیبان در خصوص نوع نثر ترجمه فرج بعد النشده

همانطور که درباره مقدم بودن ترجمه عوفی یا دهستانی بین ادیبان اختلاف نظر وجود دارد، درباره نوع نثر ترجمه دهستانی نیز نظرات گوناگونی وجود دارد، صفا در کتاب تاریخ ادبیات ایران، نام کتاب را «جامع الحکایات» معرفی کرده و نثر دهستانی را نمونه نثر ساده و دلپذیر زمان خود میداند و مینویسد: «نثر جامع الحکایات (فرج بعد از شدت) ساده و روان و خالی از تکلف است.» (تاریخ ادبیات در ایران، صفا: ج ۳/بخش ۲: ۱۲۳۶)

بهار، به دلیل اینکه ترجمه دهستانی را ندیده‌بود گمان میبرد که این ترجمه از روی جوامع الحکایات عوفی نوشته شده باشد و مینویسد: «تالیف دیگر او {دهستانی} ترجمه کتاب فرج بعد النشده است تالیف قاضی محسن تنوخی که قسمتی از آن را مولف جوامع، در باب هفتم از قسم چهارم و سایر ابواب آورده‌است ولی نسخه آن کتاب هنوز به نظر حقیر نرسیده است و گمان دارم در تهران در یکی از کتابخانه‌های شخصی موجود باشد و درست معلوم نیست کتاب الفرج بعد النشده که به پارسی موجود می‌باشد و مترجم آن حسین بن اسعد بن الحسین المویدی الدهستانی است، انتحال آن کتاب است یا ترجمه‌ایست جداگانه؟» (سبک‌شناسی، بهار: ۳/ ۹۵۴) امیربانو کریمی در رد نظر بهار مینویسد: «به نظر میرسد که انتحالی در کار نیست. زیرا ترجمه ساده عوفی با کار دهستانی که بسط و اطالۀ کلام و صنعتگری و آوردن اوصاف و لغات غریب است، یکسان نیست. ضمن اینکه خطوط اصلی داستان در این دو ترجمه متفاوت است و دهستانی در ترجمه، به اصل حکایات وفادارتر مانده است. (فرج بعد النشده و جوامع الحکایات، کریمی: ۱۴۳) اما حاکمی، احتمالاً با توجه به اشاره بهار، انتحال دهستانی از بهار را تایید میکند. (نکاتی پیرامون کتاب فرج بعد از شدت، حاکمی:

سپانلو در کتاب «قصه قدیم» درباره سبک کتاب مینویسد: «نثر ترجمه این کتاب بسیار ساده و جذاب است و تخیل نویسنده در قصه‌گویی و قصه‌پردازی قابل تحسین است. (قصه قدیم، سپانلو: ۵۸۲) میرصادقی نیز در کتاب «ادبیات داستانی» ضمن ارائه قصه «مزنه زن مروان» مینویسد: «مزنه زن مروان، با نثر مرسل عالی نوشته شده است. (ادبیات داستانی، میرصادقی: ۱۶۷) سعید نفیسی تنها به جمله «در این ترجمه گاهی ازین عبارت‌پردازیها دارد» اکتفا میکند (فرج بعد از شدت، مقدمه حاکمی، ج ۱: پانزده؛ به نقل از مقدمه‌شاهکارهای نثر فارسی معاصر) و حاکمی در مقدمه خود در جلد سوم کتاب، درباره نثر اظهار نظر دقیقتری ارائه میدهد و مینویسد: «روی هم رفته نثر کتاب ساده و روان و خالی از تکلف است ولی جای جای کتاب، رنگ مقامات به خود میگیرد و نویسنده از عنصر سجع و دیگر صنایع بدیعی به اندازه کافی استفاده میکند. (فرج بعد از شدت، مقدمه حاکمی، ج ۳: ت) نثر کتاب، ساده و روان و خالی از تکلف است، تنها در تشبیهات و توصیفات، تا حدودی رنگ نثر مصنوع و مسجع می‌یابد. (فرج بعد از شدت، مقدمه حاکمی، ج ۳: ت) قاسم زاده نیز معتقد است «به طور کلی میتوان گفت که نثر آن مابین نثر صوفیانه و نثر فنی قرار دارد.» (فرج بعد از شدت، مقدمه قاسم زاده: ۹)

۵- بررسی علل وجود ویژگیهای سبکهای مختلف در فرج بعد از شدت:

۱-۵- تداخل حکایات

همانطور که صفا و دیگران اشاره کرده‌اند، حکایتهایی از این کتاب در کتب دیگر مانند جوامع الحکایات وارد شده است، حاکمی نیز در مقدمه ترجمه این کتاب مینویسد: «برخی حکایات در دو اثر دیگر تنوخی یعنی المستجد و نشوار آمده است و برخی حکایات نیز عیناً یا با مختصر تغییری در متون فارسی مانند جوامع الحکایات عوفی، قابوسنامه عنصرالمعالی، سیاستنامه خواجه نظام الملک نقل شده است. همچنین جامی در بهارستان از مضامین این کتاب استفاده کرده است. (فرج بعد از شدت، مقدمه حاکمی، ج ۳: ت) همچنین قاسم زاده نیز در مقدمه خود بر ترجمه دهستانی مینویسد: «بعضی از حکایات آن به هزار و یک شب راه یافته و بعضی حکایات هزار و یک شب نیز در آن نقل شده» (فرج بعد از شدت، مقدمه قاسم زاده: ۸) نبی‌لو و فتحی نیز ترجمه دهستانی را از منظر داستان‌پردازی به کتبی نظیر طوطی‌نامه، هزار و یک شب و... شبیه میدانند: «این اثر به دلیل آنکه بر مبنای اصول اخلاقی و تعلیمی شکل گرفته، موضوعش منحصر به فرد و متمایزتر است و از طرف دیگر اگرچه از نظر شباهت کار به هزار و یکشب یا طوطی‌نامه نزدیک میشود؛ ولی کتابهای داستانی مذکور اولویت را به نقل قصه و حکایت میدهند، در حالیکه کتاب فرج بعد از شدت، بین افکار و درونمایه‌ها ارزشمند است. از سوی دیگر کاربرد اجتماعی درونمایه این اثر در متن زندگی مردم جاری است... همچنین با ابومسلم نامه، اسکندنامه، امیر ارسلان نامدار، سمک عیارو

داراب‌نامه نیز شبیه است. ولی به دلیل تمایز موضوع و پرداختن حکایات به موضوعات متعدد تعلیمی و اخلاقی بر آنها رجحان دارد. اغلب کتابهای مذکور، اولویت را به نقل حکایت و قصه میدهند، ولی در این کتاب، قصه و حکایت پوششی برای بیان افکار و درونمایه‌ای ارزشمندی است که در متن زندگی مردم جاری بوده وهست. (تحلیل عناصر داستانی فرج بعد الشده، نبی‌لو و فتیحی: ۱۱۰-۱۱۱) بنابراین این توضیحات، شاید بتوان همین عامل وارد شدن حکایات این کتاب در کتب دیگر و شباهت این اثر با کتب داستانی دیگر را یکی از دلایل پراکندگی آراء ادیبان در خصوص تعیین نوع نثر ترجمه دهستانی دانست.

۲-۵- تاثیر ترجمه و بازنویسی

در قدیم، کار ترجمه و بازنویسی، عمدتاً به سفارش طبقه حاکم صورت میگرفت و از آنجائیکه مترجمان، خود نقش چندانی در خلق و آفرینش کتابها نداشتند، در ترجمه خود از متن اصلی، دخل و تصرفهایی انجام میدادند و می‌کوشیدند تا با واژه‌پردازی و صنعت‌آوری، هنر و فضیلت خود را به نمایش بگذارند. در واقع، آثار منثور ترجمه شده از جمله جایگاه‌هایی بودند که نویسندگان در آن می‌توانست به هنرنمایی پرداخته و نهایت قدرت و مهارت خود را در نگارش و احاطه بر علوم زمان خویش نشان دهد. در این شکل، گاهی مترجمان موفق به خلف اثر جدیدی میشوند و اثر ترجمه شده فاصله زیادی با متن اصلی پیدا میکند.

مشتاق مهر، ترجمه را عرصه‌ای برای نمایش استعداد و معلومات ادبی مترجم دانسته و مینویسد: «در مهمترین متون مترجم زبان فارسی، ترجمه با آرایش و تزئین متن یکی انگاشته شده است... و مترجم آثار ادبی به متون در دست ترجمه خود، به چشم وسیله‌ای برای ظهور و تجلی استعداد، ذوق و معلومات ادبی و اطلاعات عمومی خود می‌نگریست، از این رو وفاداری به متن و نویسنده آن برای او معنا نداشت.» در ادامه از سعدالدین واوینی مترجم مرزبان‌نامه و حسین بن اسعد دهستانی مترجم فرج بعد الشده نام میبرد و در مورد دهستانی مینویسد: «حسین بن اسعد دهستانی نیز بعد از آنکه به تالیف کتابی مامور می‌شود، به دنبال کتابی می‌گردد که آن را اساس تالیف خود قرار دهد و باقی مطالب خود را در توضیح و توسعه آن بیاورد و در ضمن آن مجال برای نقل اشعار عربی و فارسی خود پیدا کند.» (تلقی قدما از ترجمه ادبی، مشتاق مهر: ۱۰۷-۱۰۸)

دهستانی نیز در ترجمه خود، برای وارد ساختن استعداد خود در متن و تزئین آن به ویژگیهای نثر فنی و موزون، (که در ادامه مقاله به آن خواهیم پرداخت) به افزایش و احیاناً کاهش متن اصلی دست زده‌است.

*افزایش

مترجم کتاب، سبک واقع‌گرای نویسنده اصلی را حفظ کرده ولی با گزارش خشک روایت داستانها موافق نبوده‌است، از این رو به گسترش عناصر ساختاری مانند آوردن توضیحات

بحثی بر سبک‌شناسی و تعیین نوع نثر کتاب «فرج بعد از شدت» ۳۱/

اضافی، وصف زیبایی و عمق بخشیدن به کنشهای عاطفی بخصوص موضوع عشق پرداخته است. در ادامه تنها به ذکر چند نمونه اکتفا میشود:

*افزودن توضیحات اضافی

در متن عربی در توضیح مرد ثروتمند بصری آمده است: «ان اعرض اهل النعم بالبصره» (الفرج بعد الشده، تنوخی، ۱۳۹۸: ۳۲۸)

اما دهستانی برای ثروتمندی مرد بصری، توضیحی طولانی آورده است: «از جمله ارباب ثروت و اصحاب نعمت اهل بصره، مردی که کثرت استظهار و سعت یسار از ابنای جنس ممتاز بود و به وفور عدت و آلت از اقران و امثال بی‌نیاز... (فرج بعد از شدت، دهستانی، ۷۲۸)^۱

در این نمونه نیز سه جمله کوتاه تنوخی، به شکل طولانی ترجمه شده و پرو بال گرفته است:

«ونفق علیها حتی املق و مسهما الضّر الشدید و الفقر المبید.. (الفرج بعد الشده، تنوخی، ۱۳۹۸: ۳۲۸)

«از تثمیر مال و تدبیر معیشت، غافل ماند و در مدت نزدیک در حال او اثر فاحش بادید آمد و در مال او نقصنی کامل ظاهر شد؛ فقر و فاقه بر وی استیلا یافت و احتیاج و نیاز غالب گشت و کار به حدی رسید که قدرت بر ترتیب طعمه و لباس نماند و بیشتر اوقات بر گرسنگی صبر می‌کردند و اکثر احوال با برهنگی می‌ساخت. (فرج بعد از شدت، دهستانی، ۷۲۹)

*وصف زیبایی

به این مورد در بخش «وصف» به عنوان یکی از ویژگیهای نثر فنی موجود در اثر، جداگانه خواهیم پرداخت.

*عمق بخشیدن به کنشهای عاطفی

«و احبها حبباً شديداً (الفرج بعد الشده، توخی، ۱۳۹۸: ۳۲۸)

«هر روز، لطف و شمایل او، خواجه را دلپذیرتر بود و عشق و محبتش در دل جایگیرتر می‌آمد تا همگی خود بدو مشغول گردانید. (فرج بعد از شدت، دهستانی، ۷۲۹)

«انی كنت هويت ابنه عمّ لی (الفرج بعد الشده، تنوخی: ۳۸۶)

بر دختر عمّ خویش عاشق شدم، همه شب در هوای او چون بخت صاحب دولتان بیدار بودم و همه روز از شوق او چون دل محنت زدگان بیقرار... (فرج بعد از شدت، دهستانی، ۵۱۴)

*حذف

۱- تمامی شواهد و مثالهای این مقاله، از کتاب فرج بعد از شدت، چاپ انتشارات امید مجد انتخاب شده است.

در پایان این داستان، دو سطر از زبان راوی آمده است: «و كان الناس يدعون و يكررون هذا الدعا و حفظوه... (الفرج بعد الشده، تنوخی، ۱۳۹۸: ۱۹۵) این جملات پس از پایان یافتن سیر داستان و در اقع خارج از داستان بیان شده‌اند. دهستانی، آنها را حذف کرده و تنها مینویسد: «و حق تعالی فرج بخشید.» (فرج بعد از شدت، دهستانی، ۱۲۶)

۳-۵- شاعر بودن مترجم

دهستانی در ترجمه خود، بخصوص در داستانهای غنایی، تلاش کرده‌است که ابیات فارسی با همان مضمون ابیات عربی بیاورد اما اشعاری که دهستانی به ترجمه یا از طبع خود سروده است و بیشتر در بخشهایی به نام «فصل» مده‌اند، غالباً سست به نظر میرسد و در میان آنها ابیات خوب، کمتر دیده میشود.

۴-۵- استشهاد به آیات، احادیث و اشعار

«درج و تضمین اشعار و امثله و عبارات عربی مانند اقتباس از آیات و احادیث در نثر فارسی به تقلید از نثر عربی از اوایل قرن ششم به نهایت تکلف انجامید.» (سبک‌شناسی نثر، شمیس: ۱۴۲) به طوریکه این ویژگی در جهت زینت و آرایش کلام به کار گرفته میشود «بعضی از نویسندگان به حدی در این زمینه به مبالغه و افراط گرائیدند که گاه معانی و عبارات فارسی ایشان، تنها برای پیوستن ترکیبات عربی به رشته کلام، ابداع میشد و عبارات از فارسی به عربی و از عربی به فارسی میرفت بی آنکه در این تبدیل و انتقال، قطع و انحرافی در رشته کلام پدید آید و یا تمایز و تفاوتی بین ترکیبات فارسی و عربی جز از جنبه لغوی دیده شود.» (فن نثر در ادب پارسی، خطیبی: ۲۰۰)

استشهاد به آیات، اخبار، احادیث و اشعار در بیشتر قسمتهای کتاب و همچنین در بین گزارشهای داستانی دیده میشود. با توجه به موضوع بابهای اول تا چهارم، در این بخشها استشهادهای بیشتری دیده میشود. در باب اول، استشهاد به آیات قرآنی و در باب دوم، استشهاد به احادیث و در باب سوم، استشهاد به دعاها و در باب چهارم، استشهاد به اشعار عربی بسامد بیشتری دارد.

* کاربرد آیات و احادیث

درج و تضمین آیات و احادیث از مختصاتی است که در مراحل کمال نثر فنی به موازات دیگر مختصات لفظی و معنوی، توجه نویسندگان را به خود جلب کرده و همانطور که خطیبی میگوید بیش از همه در نثر قصص و تواریخ این دوره رواج داشته‌است. (فن نثر در ادب پارسی، خطیبی: ۲۰۱)

در فرج بعد از شدت، « تعداد کثیری از آیات کریمه^۱ قرآن مجید در کتاب، با توجه به مطالب مطرح شده، ترجمه و تحلیل گردیده و به بسیاری از احادیث نبوی^۲ استناد جسته و در موارد مختلف از آنها بهره فراوان برده و احیاناً به ترجمه احادیث همت گماشته است. (فرج بعد از شدت، مقدمه حاکمی، ج ۳: ت) زیرا دهستانی، در حقیقت حکایات را برای تایید آیات و احادیث می‌آورد. ارتباط لفظی عبارات عربی با متن فارسی، در دو شکل دستوری و بلاغی جلوه‌گر میشود: در کارکرد دستوری، عبارات عربی در یکی از نقشهای دستوری مانند: نهاد، مفعول، اضافه و... ظاهر میشود و در کارکرد بلاغی، عبارات عربی میتواند به قصد ایجاد تشبیه، کنایه، ایهام و... به کار رود.

-بر خود ثنا نگوید و امتثال امر: « فلا تزکوا انفسکم» به جای آرد و از معرفت « من مدح نفسه فقد ادى زکات حمقه» عرض خود را صیانت کند. (۱۴۱)

از نظر ارتباط معنوی، عبارت عربی بدون هیچ جدایی با متن اصلی، با اتساق و اتصال کامل در دنبال عبارات فارسی آورده میشود و بدون کوچکترین تمایز لفظی بدان میپیوندد، این ارتباط در اشکال توصیف، تاکید و تایید به چشم میخورد.

-پیوسته امر «و اما بنعمته ربیک فحدث» را انقیاد نماید و حدیث «التحدث باللنعم» شکر را کار فرماید. (۳۸۸)

در برخی موارد، دهستانی، عبارات عربی را به عنوان بخشی از کلام به متن فارسی پیوند میزند، به طوریکه این عبارات عربی جزئی از متن محسوب میشود.

-گفت ایها الامیر، آن مصحف به من ده تا به جهت تو تفالی کنم. هیچ جواب ندادم، او مصحف برگرفت و بازگشاد اول سطر این بود که: «عسی ربکم ان یهک عدوکم و لیستخلفنکم فی الارض» چون برخواند رویش سیاه شد و تغییری فاحش در بشره او ظاهر گشت و مصحف فراز کرد. چون بار دیگر بگشاد این برخواند: «و نرید ان نمّ علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین.» (۷۰)

*کاربرد اشعار

از دیگر ویژگیهای نثر فنی، کاربرد اشعار در متن بوده که به تقلید از نثر عربی، در تمام نثرها بجز کتب علمی و نامه‌ها با دیگر مختصات لفظی و معنوی مورد استفاده نویسندگان قرار گرفته است و از اوایل قرن ششم شروع و در پایان قرن هفتم به نهایت تکلف رسیده است تا جائیکه آنرا شیوه‌ای برای تاکید و بیان معنی و آرایش کلام به کار گرفته‌اند.

۱-تنوخی تعداد ۱۳۱ آیه از قرآن مجید را در کتابش وارد کرده‌است.

۲-تعداد ۴۱ حدیث در متن کتاب وجود دارد.

دهستانی در همه جای اثرش، به اشعار عربی و فارسی استشهاد میکند. «اشعاری که دهستانی به ترجمه یا به ابتکار خود ساخته و در کتاب آورده، غالباً سست و کم‌مایه به نظر میرسد و در میان آنها کمتر به ابیات خوب دلپذیر میتوان باز خورد. معمولاً شیوه دهستانی چنان است که در پایان هر حکایت، مطلبی با عنوان «فصل» مطرح میسازد و پس از نتیجه‌گیری اخلاقی، ماحصل کلام را در چند بیت عربی بیان میکند و سپس ابیات فارسی را به رشته نظم میکشد. (فرج بعد از شدت، مقدمه حاکمی، ج ۳: ح / تاریخ ادبیات صفا: ج ۳/بخش ۲: ۱۳۳۶) که البته تعداد ابیات فارسی، چندین برابر ابیات عربی آن است. دهستانی در برخی از اشعاری که خود سروده است، اطلاعات علمی خود در زمینه نجوم و بازیهای مثل نرد و... را به رخ کشیده است:

تاثیر قران نحس مریخ و زحل من بنده ز قرب مشتری می‌بینم (۷۴۲)

۵-۵-وصف

از جمله جایگاه‌هایی که در آن میتوان به اوج قدرت تخیل و هنر نویسندگی مولف اثر پی‌برد، بخش توصیفات اثر است. زیرا در هنگام توصیف از اشخاص، اماکن و اوضاع و احوال به یکبار سبک نویسنده تغییر میکند و از جملات بلند و کلمات مترادف بسیار استفاده میشود. گاه نیز از برخی آرایه‌های ادبی خصوصاً سجع استفاده میشود.

-در ایام شباب که زرع جوانی شاداب بود و رنگ عارض چون پرب غراب، بر دختر عم خویش عاشق شدم (۵۱۴)

سادگی و کوتاهی ویژگی اصلی توصیفات کتاب است. توصیفات این اثر عمدتاً ساده است و در آن اغراق و مبالغه و اطناب دیده نمیشود. از سوی دیگر توصیفات طولانی نیستند و از چهار سطر تجاوز نمیکند، زیرا هدف اصلی از این توصیفات، در عین توجه به زیبایی، هنرنمایی و تکلف نیست اگرچه گاهی مترجم در این توصیفات، اطلاعات علمی خود را به نمایش می‌گذارد:

-گفت: این حاده یک شبه که واسطه نظام اشک لالی اشک شده است، سبب روزی و وسیلت بهروزی تو گشت بدان که ما مردمانیم در سایه دولت پروریده و در آفتاب بالیده و بر چمن نکونامی شده، صیت صلاح ما را بدین زخمه کژ که از این دختر صادر شد و زخم راست که از تو حادث گشت چون صورت کزطبعن به آهنگ تهتک از پرده بیرون میفکن و چنان کن که این زخم به زخمه ترانه در افواه افتد و این قول بی‌اصول که جز در پرده مخالف راست نمی‌آید به عراق و نهاوند کشد. (۵۱۱)

این توصیفات جزئی از اجزای کلام نویسنده است و بی‌هیچگونه قطع و انحرافی به جملات قبل و بعد می‌پیوندد.

۵-۶- نگاهیته شدن در قرن هفتم و وارد ساختن ویژگیهای نثر فنی و موزون در اثر

قرن هفتم از منظر ادبی از مهمترین ادوار تاریخ ادبیات ایران است. فرشیدورد این عصر را دوره تثبیت زبان فارسی میدانند و معتقد است زبان فارسی از این قرن تقریباً شکلی ثابت به خود میگیرد و از پراکندگیهای دوره قبل اثری نیست و اگر هست بسیار اندک است. فرهنگ پیشوندها و پسوندهای زبان فارسی، فرشیدورد: ۵۳) خطیبی، انواع نثر در قرن هفتم را به دو گروه «آثاری که در آنها، نثر فارسی هنوز ارتباط خود را با شیوه ساده دوره‌های قبل قطع نکرده و در پذیرش و کاربرد مختصات سبک جدید از حد معینی فراتر نرفته است» و آثاری «که کاملاً خود را از قیدهای سبک قدیم (انواع نثر مرسل) آزاد کرده و راه و روش تازه‌ای را برای خود انتخاب کرده‌اند» تقسیم می‌کند و گروه اول را شامل دو زیرگروه «مرسل عالی» و «فنی مرسل»؛ و گروه دوم را نیز شامل دو زیرگروه «فنی» و «مصنوع» میدانند. (فن نثر در ادب پارسی، خطیبی: ۱۴۰-۱۴۳) البته در شیوه نثر نویسی قرنهای شش و هفت هجری سبک نوشتاری دیگری هم وجود داشته که در آن صنایع لفظی و تکلفهای فنی، تنها در بخشهای معینی مانند ابتدای فصلها و دیباچه‌ها به کار میرفته و در متن اصلی خبری از تکلف و پیچیدگی نیست (آغاز هریک از فصلهای کتابهای تذکره‌الاولیای عطار، لباب الالباب عوفی و المعجم از این نمونه است) ولی آنچه کاملاً مشهود است این است که هرچه از قرن ششم دور میشویم، گرایش نویسندگان به تصنع و تکلف بیشتر میشود. «در سیر تکامل نثر فارسی از نثر ساده مرسل به نثر فنی و مصنوع، نثر بیشتر حالت شاعرانه به خود گرفته و عناصر شعری بیشتری را در خود جای میدهد.» (فن نثر در ادب پارسی، خطیبی: ۴۴)

بنابراین، در قرن هفتم، نویسندگان برای نشان دادن توانایی خود در نویسندگی، با وسعت مجالی که از حیث انتخاب و استعمال الفاظ و تعبیرات در نثر فراهم بود، توجه زیادی به آرایش کلام و تناسب الفاظ و معانی نشان دادند و برخی در این راه به غایت تکلف رسیدند و نه تنها مفردات لغوی بلکه نظم و نثر و بلاغت عرب نیز نثر فارسی را دربرگرفت و روش مرسل جای خود را به تصنع و تکلف و آرایش ظاهر داد. نویسندگان در این مسیر، جانب معنی را رها کردند و نثر را به صورت وسیله‌ای برای ابراز هنر در استعمال هرچه بیشتر الفاظ به کار گرفتند. دهستانی به عنوان مترجم فرج بعد از شدت نیز از این روال برکنار نماند و برخی ویژگیهای سبک فنی و موزون را در بخشهایی از اثرش (که در ادامه بررسی خواهیم کرد) وارد ساخت.

۱-۵-۶- موسیقی نثر

نثر فارسی با موسیقی بیگانه نیست و اوج این نزدیکی در زمانی صورت میگیرد که نثر از جنبه ارتباطی خود خارج شده و جنبه ادبی پیدا کند. در زبان ادبی، تکیه بر نشانه‌ها یا

نمادآواهایی است که موجب ایجاد وزن، هم‌آوایی و الگوهای صوتی میشوند و ضمن جلب توجه مخاطبان، نوعی وزن هنری در نثر ایجاد میکنند.

هنگامیکه نثر به شکل ادبی یا شاعرانه نزدیک میشود، در این حالت، دارای لایه‌های صوتی‌ای میشود که توجه دیگران را به خود معطوف میدارد. نثر موزون، با سازماندهی هنرمندانه اجزای جمله و پیوند دادن بخشها و حالات گوناگون، موجب تاکید بر قسمتهایی از سخن میشود و میزان آگاهی و توجه را افزایش میدهد. در نثر شاعرانه، نویسنده یا شاعر با بهره‌گیری از عناصر شعری و حتی گاهی وزن عروضی سعی در زیاد نمودن زیبایی و اثر بخشی هنر نویسندگی خود را دارد.

از نکاتی که در هنگام مطالعه فرج بعد از شدت توجه خواننده را به خود جلب میکند، زبان آهنگین اثر و لحن موسیقایی حاکم بر آن است، شاید مهمترین دلیل و عامل ایجاد موسیقی در چنین اثری، قریحه شاعری مترجم آن است. دهستانی از آنجا که قصد داشته نثری زیبا، دلنشین و موثر بیافریند، ضمن بهره‌گیری از عناصر شاعرانه، سعی در آفرینش موسیقی در کلام خود دارد. استفاده از موسیقی درونی و معنوی و بندرت موسیقی کناری و بیرونی (در اشعار) از شگردهای وی برای موزون نمودن کلام خود است. از آنجا که دهستانی، خود از قدرت و ذوق و قریحه شاعری برخوردار بوده، توانسته بخوبی از انجام این مهم برآید.

*سجع پردازی

اولین قدمهایی که از راه نزدیک کردن نثر به شعر صورت گرفت با نثر مسجع بوده است و سجع پردازی از جمله مواردی است که بیشتر نویسندگان متون فنی، برای نزدیک ساختن نثر خود به نثری زیبا، آراسته و در عین حال آهنگین به استفاده از آن نظر داشته‌اند. کاربرد سجع، وسیله‌ای برای آراستگی و موثر ساختن لحن نویسنده و دور کردن آن از لحنی خبری و مستقیم، به زبان ادبی و عاطفی صورت گرفته است.

اولین آرایه‌ای که با بسامد بسیار در اثر جلب توجه میکند، سجع است، اگرچه «هدف مولف رساندن پیام است، ولی این پیام را در کنار اطلاعات تاریخی و با نثری موزون و مسجع آورده است». (ریخت‌شناسی داستانهای فرج بعد از شدت، اسماعیلی و نبی‌زاده: ۱۴) استفاده از سجع در این اثر، متن را از حالت یکنواختی خارج کرده و باعث تفاوت نوع نثر بخشهای مسجع با دیگر بخشهای فاقد این آرایه گردد.

بیشتر سجعها در مقدمه داستانها آورده شده و از این نظر به مقامه‌ها شباهت یافته است، البته گاهی در متن داستانها، به صورت پراکنده از سجع استفاده شده است:

- بدین سعادت که مرا روی نموده است جای تهنیت است نه تعزیت (۲۴۶)

- بر هلاک اقدام نمودن و خویشتن به دست خود در ورطه بوار انداختن عاقبت وخیم باشد

و در آخرت عذاب الیم (۷۱۲)

دهستانی برای آراستگی و ایجاد موسیقی درونی اثرش، از انواع مختلف سجع خصوصاً سجع متوازی و متوازن استفاده میکند. البته برخلاف کتب فنی و مصنوع، دهستانی از کلمات دشوار و مهجور عربی برای سجع‌پردازی استفاده نمیکند و بیشتر سجعها در جایگاه فعل آمده‌اند. البته هنگامیکه دهستانی قصد تزئین و آراستگی کلام خود را دارد، کاربرد کلمات و اصطلاحات عربی فزونی میگیرد.

-به کفایت و شهامت **معروف** و به علو قدر و رفعت منزلت و کثرت مال **مشهور** (۲۷۲)

-**ایقاع بلیتی و ایصال نکبتی** به من در ضمیر دارد (۲۶۷)

موثرترین کاربرد این صنعت از نظر موسیقایی در مواردی است که دو قرینه با یکدیگر تساوی طولی دارند و گاهی نیز علاوه بر تساوی طولی، این تساوی را در تعداد هجاهای دو قرینه نیز میتوان دید. معمولاً در اینگونه از سجع، علاوه بر توازن واژگانی، توازن نحوی نیز به شکل تکرار در ساخت جمله وجود دارد.

حمد و ثنا، **شعار** خود کن و تقوی و ورع، **دثار** خود ساز (۲۹۱)

*جناس

کاربرد جناس نیز در فرج بعد از شدت، از راههای خلق موسیقی درونی به شمار میرود. دهستانی برای افزایش آهنگین بودن سخنش، در کنار استفاده از سجع، از انواع مختلف جناس نیز بهره میبرد. تنوع جناسهای موجود در اثر، نشان از قدرت نویسندگی و توجه او به نقش جناس در آفرینش موسیقی دارد:

-چون به نواحی **واسط** رسیدم گفتم: ابتدا به **واسط** کنم، باشد که **بی‌واسطه** بغداد به

وساطت اقبال هم در **واسط** از این شخص خبری یابم. (۶۰۷)

دهستانی بیشتر از واژگان فارسی برای جناس‌پردازی استفاده میکند و کلمات مورد استفاده در خلق جناس، مهجور و ثقیل نیستند.

-کنیزک نیز از آن سودار **بازاری** شد و از آن **بازار بیزاری** نمود (۷۱۱)

-و من از سختی آن خمار مشک **خویش** بر **خیش** بردم و در خون **خویش** سعی کردم و در باد آهنجی در پس **خیش** بخفتم. (۲۳۹)

او در کاربرد جناس نیز، دچار تکلف و تصنع نشده است و از آن تنها به عنوان عنصری موثر در خلق زبانی آهنگین و شاعرانه استفاده کرده‌است.

-یکی از بزرگان بنی **عقیل** که عاقله قوم بود با **عقال عقل** و تکلیف ساخته و از **عقیله** مجنون و شطارت بازپرداخته (۵۱۴)

-**مغترف** ذنوب را نیکوتر آن باشد که به گناه **مغترف** شود (۶۷۷)

-**فتح‌الباب** بستان را **فتح‌الباب** احسان ساختم. (۲۵۱)

-در **مونت** سفرش **معونتی** باید (۴۵۷)

***تناسب**

دهستانی به کاربرد متناسب کلمات در کتاب خود توجه دارد. اگرچه وسعت دایره موضوعی کلمات متناسب در فرج بعد از شدت، به اندازه کتب فنی دیگر نیست، اما در برخی موارد به ویژه هنگام توصیف، رعایت تناسب لفظی و معنایی میان کلمات بیشتر مشاهده می‌شود.

-من چون به **طالع سعد** و **اختیار نیکو** بیرون آمده بودم، بنا بر **تحویل** سال که به احتیاط تمام استخراج کرده بودند و نظر **کوکب** و **اتصالیهای مسعود** آن اقتضا می‌کرد که در آن سال خصوصاً در آن سفر جز خیر و خوبی نباشد، بر آن اعتماد کردم (۶۰۰)
اکثر این تناسبات به شکل کلمات مترادف، پشت سر هم آورده میشوند:

-در بغداد در همسایگی من جوانی بود از **خاندان مجد** و **شرف** و **دودمان فضل** و **کرم** و **ابا** و **اجداد** او از **افاضل کتاب** و **اشراف** و **اصحاب دوآیین** بودند و **نعمتی فاخر** و **مالی وافر** او را از پدر میراث ماند. (۳۳۷)

-گفت **مهمات** و **مرادات** که داری عرضه کن تا به **اسعاف** و **انجاج** مقرون گردد. **عبدالملک** گفت: وقت رفع حوایج نیست. گفت: رای **امیرالمومنین** بر من متغیر است می‌باید که بر سر **عنايت** و **شفقت** و **مرحمت** آید. **جعفر** گفت: **امیرالمومنین** از تو راضی شد. (۱۵۱)

گاهی، میان واژگان یک بند، تناسب و ارتباطی وجود دارد که ممکن است گذشته از افاده معنی اصلی، از نظر وابستگی و ارتباطی که با موضوعات دیگر دارند، معانی متعددی به خاطر خواننده آورد یا اجتماع آنها صنعتی دیگر را ایجاد کند.

-به **مسامرت** و **مکالمت** یکدیگر اعبای مشاق سر را **تخفیفی** می‌نمودند و حصول **مرادات** و **مقاصد** را به **لعل** و **عسی**، **تسویفی** می‌فرمود. (۶۷)

نتیجه‌گیری

فرج بعد از شدت، اثری است که از متن عربی فرج بعد از شدت قاضی تنوخی ترجمه شده است. اگرچه در بسیاری از قسمتهای کتاب، سبک نگارش، ساده و بی‌تکلف است؛ اما نثر کتاب در همه جای آن یکسان نیست و در برخی صفحات، خصوصاً بخشهایی که مترجم به توصیف می‌پردازد، نثر و سبک نگارش با استفاده از کلمات و جملات عربی، سجع‌های پی در پی و استشهاد به آیات و احادیث و اشعار فارسی و عربی به نثر فنی نزدیک میشود. البته وصفها غالباً کوتاه و جزئی است و از این نظر دچار تکلف نشده و فاصله زیادی با نثر مصنوع دارد.

فرج بعد از شدت، به علت ترجمه از متن عربی (و افزودن و حذف بخشهایی توسط مترجم) و نگاشته شدن در قرن هفتم و در نتیجه وارد ساختن ویژگیهای نثر فنی در اثر، در بخشهایی دارای برخی ویژگیهای نثر فنی است. به عنوان مثال، مترجم، به بسیاری از آیات و احادیث نبوی استناد جسته و احياناً آنها را ترجمه کرده است. ویژگی مهم دیگر موسیقی خاص آن در بخشهایی از کتاب است که بیشتر در شکل سجع و جناس متبلور میشود، با توجه به شاعر بودن مترجم که حتی اشعار خود را در کتاب وارد ساخته و برخی ابیات عربی را به پارسی برگردانده، این ویژگی نمایانتر میشود.

در پایان و باتوجه به این توضیحات میتوان نثر کتاب را از نوع نثر بینابین یا مرسل عالی دانست و سبک این کتاب را در ردیف کتابهایی چون تاریخ بیهقی، سیاست‌نامه و قابوس‌نامه به شمار آورد.

منابع

- ادبیات داستانی (۱۳۸۶) میرصادقی، جمال، چاپ پنجم، تهران: سخن
- تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۶۹) صفا، ذبیح الله، تهران: فردوس
- تحلیل عناصر داستانی فرج بعد الشده (۱۳۸۸) نبی‌لو، علیرضا و هاجر فتحی نجف آبادی، پژوهش‌نامه زین و ادب فارسی (گوهر گویا) سال سوم، شماره ۴؛ پاپی ۱۲؛ صص ۱۰۹-۱۳۲
- ترجمه فرج بعد از شدت (۱۳۵۵) دهستانی، حسین بن اسعد، با مقابله و تصحیح اسماعیل حاکمی، سه جلد؛ تهران: بنیاد فرهنگ ایران
- تلقی قدما از ترجمه ادبی ()، مشتاق مهر، رحمان؛ : صص ۱۰۳-۱۱۳
- ریخت‌شناسی داستانهای فرج بعد از شدت (۱۳۸۸) اسماعیلی، عصمت و نیره نبی‌زاده؛ مجله دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان، شماره ۲۸، صص ۷-۲۰
- سبک‌شناسی (۱۳۷۶) بهار، محمدتقی، ۳، چاپ نهم، تهران: مجید
- سبک‌شناسی نثر، (۱۳۸۴) شمیسا، سیروس، تهران: میترا
- فرج بعد از شدت، (۱۳۸۳) تنوخی، ابوعلی محسن، ترجمه دهستانی، حسین بن اسعد؛ به تصحیح اسماعیل حاکمی والا، چاپ اول، تهران: انتشارات امید مجد
- فرج بعد از شدت (۱۳۸۸) تنوخی، ابوعلی محسن، ترجمه حسین بن اسعد دهستانی، به کوشش محمد قاسم زاده، تهران: نیلوفر
- فرج بعد از شدت، (۱۳۶۳) تنوخی، ابوعلی محسن، ترجمه دهستانی، حسین بن اسعد؛ به تصحیح اسماعیل حاکمی والا، چاپ دوم، تهران: اطلاعات
- الفرج بعد الشده (۱۳۹۸ ه.ق) تنوخی، القاضی ابی علی محسن بن علی، بیروت: صدر
- الفرج بعد الشده (۱۹۹۵) تنوخی، ابوعلی محسن بن علی؛ سوریه: منشورات وزارة الثقافة

- فرج بعد الشده و جوامع الحكايات، (۱۳۵۱) کریمی (مصفا) امیربانو؛ مجله یغما، شماره ۲۸۶
- فرهنگ پیشوندها و پسوندهای زبان فارسی (۱۳۸۶) فرشیدورد، خسرو؛ چاپ اول، تهران: زوار
- فرهنگ فارسی، (۱۳۷۱) معین، محمد، تهران: امیرکبیر
- فن نثر در ادب پارسی (۱۳۷۵) خطیبی، حسین ، چاپ اول، تهران: زوار
- قصه قدیم (۱۳۸۸) سپانلو، محمدعلی ، چاپ اول، تهران: کاروان
- گنجینه سخن (۱۳۶۴) صفا، ذبیح الله؛ چاپ چهارم، تهران: امیرکبیر
- نکاتی پیرامون کتاب فرج بعد از شدت (۱۳۷۲) حاکمی، اسماعیل ، مجله وقف میراث جاویدان، سال اول، شماره اول صص ۹۲-۹۴
- وفيات الاعیان (۱۹۷۷) ابن خلکان، بیروت: احسان عباس
- یک کتاب فراموش شده (۱۳۲۷) اقبال، عباس ، مجله یادگار، شماره ۴۶ و ۴۷ بهمن و اسفند ۱۳۲۷